



ب‌آور اندیشه * ماهنامه سیاسی، فرهنگی، دانشجویی
سال بیست و چهارم * شماره صد و بیست و سه
مهر ماه ۱۳۹۸ * قیمت: ۲۰۰۰ تومان اختیاری

پرونده ویژه:

پا به پای پایداری

بررسی منطق مقاومت و اهمیت آن



ویژه نامه اربعین حسینی



اربعین، طرحی
برای زندگی نو

صفحه ۶

آن چه در این شماره می خوانید:



از مذاکره مجدد تا مقاومت عزتمندانه (صفحه ۴)

ثم استقاموا... (صفحه ۱۰)

مقاومت بی منطق؟! (صفحه ۱۲)

باور اندیشه ماهنامه سیاسی، فرهنگی، دانشجویی
سال بیست و چهارم شماره صد و بیست و سه
مهرماه ۱۳۹۸ قیمت: ۲۰۰۰ تومان اختیاری

پا به پای پایداری
بررسی منطقی مقاومت و اهمیت آن

آن چه در این شماره می خوانید:

از مذاکره مجدد تا مقاومت عزتمندانه (صفحه ۴)
ثم استقاموا... (صفحه ۱۰)
مقاومت بی منطق؟! (صفحه ۱۲)

ویژه نامه اربعین حسینی

اربعین، طرحی برای زندگی نو (صفحه ۶)

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دانشجویی باور اندیشه

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه های اصفهان و علوم پزشکی

مدیر مسئول: زهرا سعادت پور

سردبیر: جواد حیدری

همکاران این شماره:

آقایان: جملی، جان نثاری، موسوی، محمدی و رضوانی

و خانم ها: طیبی و اعتصامی و جهانگرد

طراح جلد: محمد رفیعی

صفحه آرا: فدایی، ربانی، زارع و خلیلی

آدرس: اصفهان، میدان آزادی، دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی، جنب مصلی الغدیر، روبروی رستوران یاس، دفتر مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان

تلفن: ۰۳۱-۳۶۶۹۱۷۲۴

کد پستی: ۸۱۷۴۶-۱۸۱

پایگاه اینترنتی: www.jadesf.com

رایانامه: bavar.jad@gmail.ir

سامانه پیامکی: ۳۰۰۶۰۱۶۰۰۲



جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه های اصفهان و علوم پزشکی

این نشریه تحت حمایت معاونت امور فرهنگی دانشگاه اصفهان است.



فهرست

سر مقاله

فقط جهادی ها می توانند



۳

تحلیل سیاسی

از مذاکره مجدد تا مقاومت عزتمندانه



۴

فرهنگی

اربعین طرحی برای زندگی نو



۶

سخن نگاشت

سخن بزرگان درباره مقاومت



۸

ویژه نامه مقاومت

ثم استقاموا...



۱۰

ویژه نامه مقاومت

مقاومت بی منطق؟؟



۱۲

معرفی کتاب

پیاده روی به روایت عشاق الحسین



۱۴

مسابقه

فراخوان مسابقه عکاسی اربعین



۱۵

فقط جهادی ها می توانند

سخنی با مدیران ایام جنگ

مشکلات اقتصادی کشور، مشکلات چندان بغرنجی نیست، حتی راه حل این مشکلات نیز خیلی پیچیده نیست، پس سؤال این است که چرا بسیاری از این مشکلات همچنان لاینحل باقی مانده است؟ پاسخ را باید در چگونگی رویکرد و مواجهه‌ی مسئولان با این مسائل دید. همواره در اجتماعات، در جوامع، در کشورها مشکل پیش می‌آید. در مواجهه با مشکل، دو جور آدم داریم: یک جور آدم هست که وقتی با مشکل مواجه می‌شود احساس مسئولیت مضاعف پیدا میکند، جوشش غیرت پیدا میکند. وقتی میبیند مشکل پیش آمد انگیزه او مضاعف می‌شود، احساس مسئولیتش مضاعف می‌شود، احساس میکند تحرک بیشتری باید انجام بدهد، وارد میدان بشود. یک جور آدم هم هست که وقتی با مشکل مواجه شد دچار یأس و ترس و منفی‌بافی و نمیشود و نمیتوانیم و چکار کنیم و این چیزها میشود ۹۷/۴/۲۴ امام روح ما میتوانیم را زنده کرد فرهنگ انقلاب اسلامی، فرهنگ از نوع اول است، فرهنگ «ما میتوانیم». صد سال به ما ملت ایران تلقین کرده بودند که شما نمیتوانید؛ نمیتوانید کشورتان را اداره کنید...

با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه میدان های زندگی عقب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت: «شما میتوانید». شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم میتوانیم ۹۲/۰۳/۱۴ وتوانستیم. شاهد مدعی آن، کاری است که بچه های جهادی سازندگی در دهه اول انقلاب کردند «اول انقلاب جهاد سازندگی میخواست سیلو بسازد. میدانید سیلوهای ما را در دوران طاغوت، شورویها میساختند. رژیم طاغوت گندم را از آمریکا میگرفت، سیلویش را شوروی میساخت! سیلو ظاهرش ساده است، اما نسبتاً فناوری پیچیده‌ای است. جهاد سازندگی گفت میخواهیم سیلو بسازیم؛ از اطراف صدا بلند شد که آقا نمی‌توانید؛ ببخود خودتان را معطل نکنید، سرمایه کشور را هم به باد ندهید. یک نمونه سیلوی کوچکی در خوزستان ساختند که بنده آن وقت رفتم بازدید کردم. امروز کشور جمهوری اسلامی شما یکی از سیلوسازهای درجه یک دنیا است. ۸۶/۱۰/۱۳ امروز نیز که دانشگاه از مشکلات فراوانی چون کسری بودجه، تحریم های علمی، سوء مدیریت مدیران خسته و... رنج می برد چاره جز مدیریت جهادی نیست. تا زمانی که مسئولین دانشگاه در برخورد اول با چالش های

پیش رو «مشکلات» را جلوه میدهند و ندای «بهتر از این نمیشود» یا «ما نمی‌توانیم» سر می‌دهند گشایشی در امور اهل دانش و دانشگاه رخ نخواهد داد و نتیجه افول نگاه آرمان خواه مسئولین به مسائلی همچون تعداد چاپ نشریات، عابر بانک دیدن دانشجوی، کیفیت حداقلی مسائل رفاهی چون حمل و نقل و غذا و... خواهد بود. حال آنکه قرار بود دانشگاه محلی برای پرورش نخبگان جامعه باشد و آرمان مسئولین نخبه پروری...

و این جز با مدیریت جهادی و روحیه ما میتوانیم ممکن نخواهد بود.

برداشتی از سخنان رهبر معظم انقلاب





از مذاکره مجدد تا مقاومت عزتمندانه

خانم طیبی

تحلیلی بر سفر اخیر رئیس

جمهور به نیویورک

جوی روان سیاست در سنگلاخ تاریخ
معاصر

جمهور کشورمان، صحبت هایشان را با جناب ترامپ هماهنگ کردند. وضعیت مکرون که در چند ماه اخیر کاملاً مشخص شده است؛ رئیس جمهوری که مردم کشور خودش هم قبولش ندارند، دلال تهدیدهای آمریکا شده و مشق های او را برای ایران دیکته می کند و البته بوریس جانسون که هنوز مدت زیادی از عملیات دموکراسی طلبانه اش در تعطیلی مجلس عوام انگلیس نگذشته و برای خودش تزارائه می کند که: «زمان آن است که با ایران بر سر توافق جدید مذاکره شود، تنها یک نفر است که می تواند توافق بهتری انجام دهد و آن ترامپ است.» این اعلام مواضع اروپایی ها نقض فاحش روح و جسم یکی از برکات برجام که فاصله انداختن میان اروپا و آمریکا بود را یادآور می شود که البته با روندی که دولت در سه گام کاهش تعهدات برجامی در پیش گرفته بود امید می رفت که عمر این نگرش نادرست رو به پایان باشد، اما سخترانی آقای روحانی در سازمان ملل با اینکه جنبه های انقلابی و عزتمندانه کم نداشت که: «پاسخ ما به مذاکره تحت تحریم نه است.» اما رونمایی از برجام حداکثری اقدامی بود که خیلی ها را شوکه کرد. آن جا که رئیس جمهور در ادامه صحبت های قبلی اش به آمریکایی ها وعده داد که: «برجام حداقل بود چه برای شما چه برای ما. اگر بیشتر می خواهید باید بیشتر بپردازید.»

این را بگذارید کنار خنده های نامتعارف جناب رئیس جمهور در دیدار با مکرون و جانسون و التماس های تهدیدگونه این دو، برای از دست ندادن فرصت ملاقات ترامپ و روحانی در نیویورک که به دلیل سطح بالای هشدار و فشار امکانش فراهم نشد.

با اینکه برخی نگران این دیدار



زمانی که از شما میگیرد: ۵ دقیقه



حتی به شکل تصادفی اش بودند اما حالا نقطه نگران کننده سرنخی است که آمریکایی ها را به راهبرد فشار-مذاکره-معامله امیدوار ساخته تا بتوانند مقاومت ایران را درهم بشکنند.

همه اینها نشان می دهد که اگرچه نطق های محکم و انقلابی در موضع

گیری های اخیر مسئولان قابل مشاهده است و فی نفسه امری مثبت و ضروری می باشد اما همچنان نگاه دولتی ها برای حل مشکلات، به مذاکره

دوخته شده است، سیاستی که بهتر است آن را دیپلماسی منفعلانه بنامیم.

در مقابل اما آمریکایی ها که در یک دهه اخیر استراتژی تعامل برای مهار را در تقابل با ایران انتخاب کرده اند و آخرین و پیچیده ترین اسلحه خود یعنی تحریم ها را با تمام توان به صحنه کارزار آورده اند، منتظر فرصتی هستند که با ترفند مذاکره مجدد کارایی سیاست فشار حداکثری خود را به اثبات برسانند.

مذاکراتی که قطعاً با پیش شرط ها و پیوست های فراوانی چون FATF و اینستکس و... همراه است، بحث بر سر مسائل موشکی و منطقه ای را به دنبال دارد و تنها با دست کشیدن ایران از راهبرد مقاومت فعال و متوقف کردن آن اتفاق می افتد. اگر راهبرد مقاومت ایران کند یا متوقف شود خسارات جبران ناپذیری را به کشور و ملت ایران وارد میکند و موجب می شود تا آمریکایی ها به حربه جدیدی دست یابند و با اعمال دوره های تکرار شونده اوج فشار و تحریم، معیشت و آسایش مردم را

بازیچه سیاسی کاری های خود کنند. البته تذکرات مدام و پی در پی رهبر انقلاب را فراموش نکرده ایم که: «سیاست فشار حداکثری در مقابل ملت ایران پشیزی ارزش ندارد و همه مسئولان جمهوری اسلامی یک صدا معتقدند که با آمریکا در هیچ سطحی مذاکره نخواهد شد.»

و درباره اروپایی ها هم اینکه «اینها نه توان شان آن قدر است، نه تسلطشان و امکاناتشان آن قدر است ولیکن تفکر در این

اروپایی ها همان تفکر آمریکا است؛ به عنوان میانجی وارد میشوند، مذاکره میکنند، تماس میگیرند، تلفن میکنند، حرفهای طولانی میزنند، وعده میدهند پوچ، همه اش پوچ.»

پس همچنان امیداوریم همان طور که قاطبه ملت آزاده ایران منطق مقاومت را به عنوان امری امکان پذیر که به تجربه ثابت شده است عامل عقب نشینی دشمن و موجب پیشرفت و پیروزی می باشد، پذیرفته و به آن اطمینان دارند، دولتمردان محترم هم سیاست غلط و بی نتیجه اقتصاد سرمایه داری در داخل و تنش زادیی در خارج به امید جذب سرمایه گذاری خارجی، که نتیجه آن را در سالیان گذشته مشاهده کرده اند، کنار بگذارند و با عمل انقلابی خود در راستای راهبرد عقلانی و عزتمندانه مقاومت، مسیر ایران اسلامی را به سمت پیشرفت همه جانبه هموارتر سازند.

سخترانی آقای روحانی در

سازمان ملل با اینکه جنبه

های انقلابی و عزتمندانه

کم نداشت که: «پاسخ ما به

مذاکره تحت تحریم نه است.»

اما رونمایی از برجام حداکثری

اقدامی بود که خیلی ها را

شوکه کرد





لازمه ی یاران حسین شدن...

محمد جواد رضوانی

اربعین، طرحی برای زندگی

به بهانه ی اربعین ارباب

سلام؛ لازمه ی یاران حسینی شدن، مطالعه ی تاریخ است(رجوع کنید به نامه ی ۳۱ نهج البلاغه)پس بگذارید مستقیما به یک حادثه ی تاریخی اشاره کنم: یکسال پیش از آن که معاویه بمیرد، امام حسین(ع) اصحاب و تابعین و ... را در منا جمع کردند... سپس فرمود: این طاعی با ما و شیعیان ما آن کرد که شما دیده اید... اینک من با شما سخنی دارم که اگر بر صدق آن باور دارید مرا تصدیق کنید... و از شما ... می خواهم که این مقام و مجلس را و آن چه از من شنیده اید به شهرهای خویش بازبرید و ... بازگو کنید... که من می ترسم این امر فراموش شود و حق از میان برود و باطل غلبه یابد... و ۰۰۱ متم نوره و لو کره الکافرون(رجوع کنید به فتح خون، اثر شهید آوینی)

هنوز منظورم را نرساندم؛ بگذارید سوالی کنم: تا به حال اندیشیده اید که دعوت امام به شهرمان درست تر است یا پروانه وار به گرد امام چرخیدن و دعوت امام را لبیک گفتن؟! اصلا مگر نه این است که هجرت مستضعف برای رهایی از ظلم یک وظیفه ای است که ترک آن موجب عذاب الهی؟! و مگر نه این که

امام حسین(ع) هنگام خروج از مدینه به سمت مکه آیه ی شریفه ی <فخرج منها خائفا یتقرب قال رب نجنی من القوم الظالمین> را قرائت فرمودند؟! حال که هجرت، وظیفه ای است تاریخی، چه هجرتی بهتر از خروج از قوم ظالمان و چه میعادگاهی بهتر از حضور در اربعین بر سر قبر سیدالشهدا تا با وصل شدن دانه های تسبیح در نخ ولایت، ذکر لا اله الا ۰۰۱ بر جهان و جهانیان جاری شود(برگرفته از سخنان هیجان انگیز رهبر قبل از انقلاب درباره ی اربعین)؟!>

بیاییم مبلغ اماممان باشیم و فرهنگ اسلام و حقانیت ولایت را به گوش بقیه برسانیم و بگوییم می توان با الگوبرداری از فرهنگ اربعین طرحی برای زندگی ریخت که در آن امام را به عنوان جانشین خدا و کسی که اسلام را برپا می دارد و نه صرفا یک حاکم خوب دعوت کنیم و یا به دعوتش لبیک بگوییم

تک زندگانی که با جمع شدن در یک زمان و یک تاریخ و بر حسب یک وظیفه ی تاریخی، جهان با انفجار نوری مواجه

ادامه ی مطلب...

باضدادها؛ شما دنیایی را ببینید که در آن جنایت ها در فلسطین و یمن و سوریه و ... اتفاق می افتد؛ آمریکا با نظام سرمایه داریش به فکر هر چه بیشتر چاییدن از عربستان برای سود بیشتر است؛ داروها و اقلام دیگر اختکار می گردد تا مباد یک وقت پول حلال

دیگر آیا بیراهه ای باقی می ماند؟ به قول استاد طاهرزاده روح کیفیت گرای جهان اسلام و شیعه که... گمان می کرد با واقع شدن در فرهنگ مدرنیته می تواند آن روح و روحیه را ادامه دهد متوجه شد با رشد فرهنگ مدرنیته عملا روح کیفیت گرا به حاشیه می رود... . حضور اربعین نشان می دهد که ظرفیت مهمی در این رخداد به میان آمده تا بر خلاف سال ها تبلیغ سکولاریسم، عزم باقی ماندن در الهیات دینی و وفاداری به عقل قدسی به ظهور برسد و امکان تجربه ی جهان دیگری مد نظر بشریت



رهبرانقلاب در دیدار جمعی از موکب داران عراقی؛

راه پیمایی اربعین میتواند وسیله تحقق تمدن اسلامی باشد

قرار بگیرد... باید ماورای عقل مدرن (و کمیت گرا که سود و منفعت را با کمیت می سنجد) و عالم و آدم نظر نمود و زندگی را شکل داد ولی نه در کنار فرهنگ مدرنیته بلکه در یک هویت مستقل(کتاب اربعین حسینی، امکان حضور در تاریخی دیگر، طاهرزاده) حال بازگردیم به صحبت اول؛ بیایم از این فرصتی که برای تاریخ سازی و برهم زدن معادلات جهانی فراهم شده به

سر سفره اش ببرد. حکایت های از این دست زیاد است اما باید گفت اتفاقات اربعین در تضاد آشکار با این اتفاقات و مدرنیته معنا می شود؛ اگر شما بتوانید معجزات اربعین را همچون خادمی کردن اعجازآمیز خادمان را و اصرار آن ها بر نوکری کردن برادران دینی را و شدت محبت و رحم بین یکدیگر را و ... را در سطح اداره های دولتی، قانون گذاری، دولت ها و جهان تصور کنید



وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اِئِمَّةً يَهْدُونَ بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِاَيَاتِنَا يَوْقِنُونَ

برخی از آن‌ها را چون [در برابر مشکلات، سختی‌ها و حادثه‌های تلخ و شیرین] صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند. سجده ۲۴

سید علی خامنه‌ای

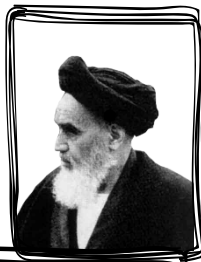
رهبر معظم انقلاب



اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اِلَّا تَخَافُوْا وَ لَا تَحْزَنُوْا وَ ابْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِیْ كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ

بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل به این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده میدادند، بشارت باد. فصلت ۳۰

امام خمینی



امام موسی صدر



انقلاب اسلامی، با عمر کوتاه خود و گرفتاریهای طاقت فرسای حاصل از رویارویی با دو ابرقدرت و مقابله دو بلوک شرق و غرب با آن و خرابکارهای تروریست‌های وابسته به دو جناح ستمگر، تنها و تنها به برکت اسلام و نورانیت آن و مقاومت مردم توانسته است کشورهای اسلامی را در شرق و غرب ارض و مظلومان جهان را در سراسر گیتی تکان داده و به اسلام جلب نماید؛ و توانسته است ندای اسلام را هر چند ضعیف به گوش جهانیان رسانده و نظر آنان را به خود جلب کند.

حق‌جویی، صلاح و درستی، باید همراه با استقامت باشد. چون در یک محیط فاسد، صلاح و صحت یک فرد مشکل است، زیرا فساد و صلاح طبقات یک جامعه، درست همانند مرض و سلامت اعضای بدن انسان، در یکدیگر مؤثر است. پس اگر یک فرد یا طبقه‌ای از طبقات جامعه بخواهد درست بماند، نمی‌تواند به درستی شخص خود، آن هم با اراده‌ای خالی از استقامت، باقی بماند و از سیل فساد در امان باشد. چون در این صورت دیر یا زود، فساد او را و یا نسل بعد از او را در بر خواهد گرفت. اما اگر استقامت کرد، به کمک ملائکه‌الله، در هدف خود پیروز و درستی و صلاح او در سایر طبقات و افراد جامعه مؤثر خواهد بود.

مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میدانند، راه درست میدانند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند. مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر ملتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را می‌خواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت میکند، امتناع میکند، ایستادگی میکند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است؛ این یک، دوم: مقاومت موجب عقب‌نشینی دشمن می‌شود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور می‌گوید، اگر شما یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج‌خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدن او است؛ پس صرفه با مقاومت است. سوم؛ هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می‌شوید، باید هزینه بدهید. امروز دولت سعودی همین جور است؛ هم پول میدهد، هم دلار میدهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری میکند، هم توهین می‌شنود؛ به او می‌گویند «گاو شیرده»! بخش چهارم و عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخش قرآنی وعده‌ی الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت میکند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند. از مثالهای آیات کریمه‌ی قرآن، ام یُردُونَ کَیْدًا فَالَّذِیْنَ کَفَرُوا هُمُ الْمَکِیْدُونَ؛ خیال میکنند دارند زمینه‌سازی میکنند، توطئه برای جبهه‌ی حق و مقاومت درست میکنند، [اما] نمیدانند که توطئه علیه خود آنها دارد چیده می‌شود طبق طبیعت و سنت الهی. نکته‌ی پنجم که برای منطق مقاومت باید در نظر داشت این است که مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه‌ی مقابل فکر غلط کسانی که تبلیغ می‌کنند «آقا! فایده‌ای ندارد؛ چطور می‌خواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن کلفت است، طرف قوی است.» خطای بزرگ، اینجا است؛ خطای بزرگ، این است که کسی تصور کند که در مقابل گردن کلفت‌های عالم نمی‌شود مقاومت کرد، نمی‌شود ایستاد. باید سواری بدهیم؛ سواری بدهیم و خیال خودمان را راحت کنیم. من عرض میکنم که این نگرش که بگویند «ما نمیتوانیم»، ناشی از همان خطای محاسباتی است.

سختی و گرفتاری هم تربیت‌کننده‌ی فرد و هم بیدارکننده‌ی ملت‌هاست. سختی، بیدار سازنده و هشیار کننده‌ی انسان‌های خفته و تحریک‌کننده‌ی عزم‌ها و اراده‌هاست. شدائد همچون صیقلی که به آهن و فولاد می‌دهند، هر چه بیشتر با روان آدمی تماس گیرد او را مصمم‌تر و فعال‌تر و برنده‌تر می‌کند؛ زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی مقاومت کند و به طور خودآگاه و ناخودآگاه آماده‌ی مقابله‌ی با آن گردد.





قرآنولوژی

محسن محمدی

ثم استقاموا...

بررسی مفهوم مقاومت در قرآن

اینها آیات خداست که به حق بر تو می خوانیم...

نویسنده: محسن محمدی
قرآن حکیم به موضوعات مختلفی اشاره کرده و از این میان به برخی بیشتر و به برخی کمتر پرداخته است. اما موضوعاتی هم هست که در بین همه ی موضوعات مطرح شده بیشترین تعدد و تکرار را دارد. از آنجا که خداوند، حکیم است و شخص حکیم هیچ موضوعی را بی جهت تکرار نمی کند پس تکرار موضوعی توسط حکیم فقط و فقط می تواند یک معنا و مفهوم داشته باشد و آن هم اهمیت موضوع است. در بین موضوعات پرتکرار قرآن موضوع صبر [استقامت] و مقاومت از دسته موضوعاتی است که از دوراهی های بزرگ و همیشگی بشریت بوده و هست. دوراهی که قدم گذاشتن بشر در آن و انتخاب یک مسیر می تواند تکلیف بود و نبود یک گروه یا

ملت را معلوم کند. به این ترتیب در چندین شماره ی نشریه از مختصات قرآنی مقاومت رونمایی می شود.

نقشه ی جغرافیای مقاومت در قرآن:

موضوع: مقاومت
معنا: واژه ی مقاومت برگرفته از فعل "قام" به معنای برخاستن و پایدار ماندن است و هنگام قرار گرفتن در قالب وزن مفاعله به معنای با کسی با هم برخاستن یا با هم از جا بلند شدن و یا با کسی ضدیت کردن است.

جالب است بدانیم هم نشینی حرف (ق) در کنار الف کشیده در فعل قام، خود در زبان عرب، تداعی گر و القا کننده ی حالت پایداری و ایستادگی در ذهن شنونده است.

معنای لغوی: ایستادگی در برابر عاملی که قصد برهم زدن تعادل و توازن را دارد. بنابراین مقاومت در دیدگاه قرآن مفهومی کلی از یک تلاش، برای بازگرداندن چیزی به حالت اولیه و طبیعی خود است.

اهمیت: به یقین ما فرستادگان خود را با دلایلی روشن فرستادیم و به آنها کتاب آسمانی و وسیله ی سنجش دادیم تا مردم، به قسط و عدل برخیزند و آهن را فرو فرستادیم که در آن نیرویی سخت (در جنگ و دفاع) و منفعتی دیگر برای مردم است و تا خداوند کسانی را که او و فرستادگانش را در نهان یاری می دهند بشناسد، که همانا خداوند نیرومند و مقتدر شکست ناپذیر است (حدید/۲۵). طبق این آیه هدف ارسال ۱۲۴۰۰۰ پیامبر از

ابتدای خلقت انسان تا به الان برقراری عدالت اجتماعی در جامعه، آن هم توسط مردم جامعه است. اما پرواضح است که محقق شدن چنین هدفی منجر به خطر افتادن منافع گروهی از طبقات جامعه من جمله طواغیت، اشراف و نوکیسگان نرسیده ی تازه به دوران رسیده شده و اینجاست که ماجرای مقاومت تازه شروع می شود. به همین خاطر بلافاصله بعد از قسط و عدل می فرماید و انزلنا الحديد... و فرستادن آهن اشاره به قوه ی قهریه ای است که بدون آن، انتظار قدم برداشتن و نفس کشیدن در جامعه ی عادلانه را در خواب هم نباید داشت. بنابر آنچه گفته شد اگر بخواهیم دو مفهوم مقاومت و عدالت را در ترازوی تقدم و تاخر یا علت و معلول محک بزنیم، این سنگینی کفه ی مقاومت است که نشان می دهد مقاومت به عنوان علت، مقدم بر عدالت خواهد بود و به عبارت بهتر، جامعه ای می تواند به عدالت برسد که در برابر ظلم ظالم، در عوض ظلم پذیری منفعلانه دست به مقاومت فعالانه ببرد. مخلص کلام اینکه، خورشید پرفروغ عدالت بر نمی آید مگر از پس قله ی عدالت و باز هم قرآن حکیم در کمال بلاغت، از روابط درهم تنیده ی بین مفاهیم مقاومت، عدالت و فساد پرده برداری می کند آنجا که پس از شکست لشکر جالوت در مقابل مقاومت و استقامت سپاهیان طالوت می فرماید:

واگر خداوند برخی از مردم را به وسیله ی برخی دیگر باز نمی داشت، حتما فساد، زمین

را فرا می گرفت. اما خداوند دارای فضل بر همه ی جهانیان است (بقره/۲۵۱)

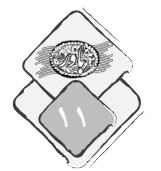
خفت متعاقب عدم مقاومت سنتی الهی است. خداوند در آیه ی ۲۴۳ سوره ی بقره می فرماید آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه های خود فرار کردند؟ و آنان، هزاران نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند). سپس خدا آنها را زنده کرد؛ (و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد). خداوند نسبت به بندگان خود احسان می کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر (او را) به جا نمی آورند.

در شأن نزول این آیه آمده است که در یکی از شهرهای شام که حدود هفتاد هزار خانوار جمعیت داشت، بیماری طاعون پیدا شد و با سرعتی عجیب مردم را یکی پس از دیگری از بین می برد. در این میان عده ای از مردم که توانایی و امکانات کوچ داشتند، به امید اینکه از مرگ نجات پیدا کنند از شهر خارج شدند. پروردگار، آنها را در همان بیابان به همان بیماری نابود ساخت. بیماری طاعون به عنوان مجازات بود. زیرا وقتی رهبر و پیشوای آنان از آنها خواست که خود را برای مبارزه و جهاد (که خود گونه ای از مقاومت است) آماده کرده و از شهر خارج شوند، آنها به بهانه ی اینکه در منطقه جنگی مرض طاعون شایع است، از رفتن

به میدان جنگ خودداری کردند و خداوند آنها را به همان چیزی که بهانه فرار از جنگ قرار داده بودند، مبتلا ساخت. همانطور که در ترجمه و تفسیر آیه ی مذکور گذشت می بینیم که خداوند با صراحت در پاسخ به شانه خالی کردن و نپرداختن به مقاومت و جهاد، عاملان آن را با عبارت "بمیرید" خطاب می کند که این خود می تواند چند معنا و مفهوم داشته باشد؛ اول اینکه این عبارت اوج قبح عدم مقاومت را در نزد خداوند نشان می دهد و درجه ی بیزاری پروردگار از چنین انفعالی را می رساند. دوم اینکه ذلت و خفت ناشی از عدم مقاومت یک سنت الهی بنا شده به تدبیر خداوند است و گروه و ملتی که از مقاومت روی بگرداند محکوم به فنا و نابودی است و نکته ی جالب تر اینکه فنا و نابودی ناشی از عدم مقاومت دقیقاً از مجرای بر ملت منفعل وارد می شود که به بهانه ی آن دست از مقاومت می کشند. نمونه های تاریخی زیادی را می توان به عنوان شاهد مثال آورد که ملموس ترین آن ها، ماجرای هزارتوی برجام است. برجامی که نمونه ی بارزی از عدم مقاومت بود و مسبب داخلی آن در خیال خام آوردن نان و آب بر سر سفره ی مردم و به بهانه ی اینکه اگر برجام را دنبال نکنند مشکلات معیشتی بیش از پیش گریبان گیر کشورشان خواهد شد، تن دادند. در حالیکه از اتفاق همین برجام منفعلانه بود که عاملی برای اعمال فشارهای حداکثری تحریم علیه کشور و

نکته ی جالب تر اینکه فنا و نابودی ناشی از عدم مقاومت دقیقاً از مجرای بر ملت منفعل وارد می شود که به بهانه ی آن دست از مقاومت می کشند

نشان دادن موفقیت این دیپلماسی برای دشمن، علیه ایران منفعل به حساب آمد. اینها آیات خداست که به حق و درستی بر تو می خوانیم، پس اگر این آیات را نپذیرند به کدام سخن بعد از سخن خدا و نشانه های او ایمان می آورند؟ (جاثیه/۶)





اهمیت مقاومت

رضا جملی

مقاومت بی منطق؟!

تحلیلی بر منطق مقاومت در
کلام رهبری

از بعد از دوران استعمار، دنیا به دو بخش سلطه گر و سلطه پذیر تبدیل شد. غایت نظام سلطه تغییر سرنوشت یک ملت با هدف دستیابی به قدرت و زورگویی و غارت منابع مالی و اقتصادی آن ها و تجمع روزافزون قدرت برای خود است. از لحاظ اخلاقی، سلطه گری و استثمار یک کشور تحقیر آن ملت و سلب هویت و آزادی از آن کشور است. سلطه پذیری به معنای تسلیم شدن و تشویق کردن سلطه گران است. در اسلام سلطه گری حتماً مذموم است، لکن سلطه پذیری به مراتب بدتر است. اگر سلطه پذیری وجود نداشته باشد، سلطه گری نیز خود به خود از بین می رود. اما نکته ی مهم آن است که انسان امروز دچار یک نوع تناقض است. بشر متمدن (!) امروز با زنجیر به دنیا می آید. زنجیر هایی نادیدنی که او را خواه ناخواه به سوی اهدافی ملزم با تمدن کنونی می کشاند. اما همین بشر متمدن جامعه ی محیط بر خویش را، باز و آزاد می انگارد. اما واقعیت این نیست. لازمه ی عمل مسئولانه آزادی است. در نظام سلطه ای که به مثابه

یک بازی از پیش طراحی شده است، آزادی معنایی ندارد. طراحان بازی، خود زودتر مسابقه را شروع کرده اند و حال به بازیگران می گویند بیاید تا با یکدیگر به رقابت بپردازیم. (البته شما محکوم به بازی کردن هستید!) قاعده ی بازی این است: مایی که زودتر بازی را شروع کرده ایم، توسعه یافته و شمایی که محکوم به حرکت در این مسیر هستید در حال توسعه.

نه آقا جان! ما اصلاً این بازی را قبول نداریم. اصلاً تفکر نظام اسلامی این نیست. ما برای آزادی حقیقی تلاش می کنیم. شعار ما دستیابی به عدالت اجتماعی و ایمان دینی است. البته این شعار خود دشمن تراش است و ماهیت نظام سلطه ایجاب می کند

بشر متمدن (!) امروز با زنجیر به دنیا می آید. زنجیر هایی نادیدنی که او را خواه ناخواه به سوی اهدافی ملزم با تمدن کنونی می کشاند. اما همین بشر متمدن جامعه ی محیط بر خویش را، باز و آزاد می انگارد.

تا این بیداری واقعی را خاموش کند. اما واکنش هرملت آزاده در برابر این تحمیل و زورگویی مقاومت است. هرگونه مسیری موجب تسلط دشمن بر ملتی آزاده می شود باید مسدود شود و در مقابل دشمن باید با تمام قدرت مواجه شد. (۱)

در منطق علم جدید قدرت از اهمیت بالایی برخوردار است و یکی از مهمترین اصول تجویزی به دولت ها "اصل خودیاری" است. اصل خودیاری تقریر دیگری از منطق قوی شدن در نظام بین المللی است و مقاومت در برابر دشمن نیز خود یک نوع مذاکره از موضع قدرت است. سیستم ها و رژیم ها با سلاح اتمی از بین نمی روند، سلاح اتمی می تواند انسان

ها و سرزمین ها را نابود کند. آنچه رژیم ها را نابود می کند قدرت مقاومت و عزم و مبارزه ی ملت هاست.

اما گاهی گفته می شود که مقاومت امکان پذیر نیست و سلطه ی جهانی هرنوع تفکری را می بلعد و از بین می برد. اگر هم صدایی در گوشه ای از جهان بلند شود که خواهان مقاومت باشد، موقتی است و به زودی خاموش خواهد شد. این تفکر و تحلیل از مقاومت بسیار خطرناک بوده و نتیجه ای جز هضم شدن در نظام کنونی سلطه را نخواهد داشت. مقاومت، حتماً امکان پذیر است. اگر به توانایی های ذاتی خود و کشور شک دارید لااقل به ضعف دشمن نگاه کنید. دشمن یعنی همان مرکز سلطه و استکبار جهان - که یکی از مظاهر بزرگ آن آمریکا است - رو به افول است. سنت الهی ایجاب می کند کشور های سلطه گر محکوم به ساقط شدن و زایل شدن از صحنه ی قدرت جهانی باشند. سرنوشت فرعون موسی و فرعون زمان حال یکسان است. قدرت غرب بر دو پایه ی اخلاقی و معنوی و ارزشی و پایه ی نظامی و سیاسی و امنیتی استوار بود که هر دو پایه متزلزل شده است. دست دشمن از لحاظ قدرت منطق و استدلال و توانایی بر اثبات حقانیت بسته است و تنها دو عامل مادی تهدید نظامی و تحریم را در اختیار دارد. تهدید نظامی لسانی به عنوان یک شیخ همیشه از طرف دشمن وجود خواهد داشت لکن سرگذشت شکست های آمریکا در منطقه باعث شده تا تهدید نظامی علیه کشور قدرتمند ما هیچ گاه عملیاتی نشود. اما آیا تا به حال فکر کرده اید که بعد از شکست آمریکا در اعمال تحریم های همه جانبه چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا ابزار دیگری باقی مانده است؟...

مقاومت و استقامت بر یک مسیر درست همیشه دشوار بوده است و دشمن با

ادامه ی مطلب...

تمام قوا در مقابل هر تفکری مغایر با تفکر سلطه پذیری فعال است. گاهی مقاومت تا آنجا دشوار می شود که انبیا و یارانش منتظر نصرت الهی می شوند (۲). اما ماه تابان این مسیر سخت و تاریک، معیت الهی است. معیت الهی یعنی آنکه خداوند می بیند و می شنود و مواظب ماست. چه چیزی شیرین تر از آنکه خداوند قاهر غالب، وعده ی پیروزی نهایی را به ما بدهد. الله مولانا و لا مولی لکم.

حقیقت آن است که اگر انسان ها به نیروی درونی خودشان تکیه کنند هیچ قدرتی در مقابل آنان یارای ایستادگی را ندارد. البته که لازمه ی این معیت، صبر و تقوا و استقبال از مشکلات و فداکاری است.

بعد از شهادت و ایثارگری رزمندگان در خرمشهر و آزادسازی آن، امام (ره) فرمودند: خرمشهر را "خدا" آزاد کرد. با این منطق همه ی دنیای مسخر استکبار را هم خدا می تواند آزاد کند

ولی لازمه ی آن حضور همه جانبه و مقاومت تا انتهای مسیر است. درست مثل خرمشهر

شرایط کنونی کشور شرایط بسیار ویژه ای است. دنیا در حال عبور از یک گذرگاه و رسیدن به یک وضع جدید و ماجرایی جدید است. عمل، نیت و رفتار ما به عنوان الگوی مقاومت اسلامی در جهان، در شکل گیری این وضعیت جدید تعیین کننده است.

شرایط سخت امروز کشور بی شک یک امتحان است و اصل اساسی در امتحانات الهی آن است که ممتحن هیچ گاه امتحان نمی شود مگر آنکه توانایی پیروزی و سربلندی از آن امتحان را داشته باشد. شرایط کنونی دیر یا زود خاتمه می یابد و آیندگان از این دوران به عنوان نقطه ی عطف تمدن

سازی اسلامی یاد خواهند کرد. صبر به اندازه ی مصیبت فرودآید و آنکه در سختی ها بی تابى کند اجرش نابود گردد. (۳)

مبادا اگر آیندگان از ما پرسیدند در این گذرگاه تاریخی چه نقشی داشتید، انگشت ندامت بر دهان بگیریم و پاسخی نداشته باشیم.

مبادا دستور الهی (فاستقم کما امرت و من تاب مک) را نادیده بگیریم و رهبر عزیزمان را پیر کنیم. (۴)

حتی اگر هیچ برهان دیگری در دست نداشتیم، ظهور انقلاب اسلامی برایمان کافی است تا باور کنیم که عصر تمدن غرب سپری شده است و تا آن وضع موعود که انسان در انتظار اوست فاصله ای چندان باقی نمانده است.

برگرفته از کتاب اندیشه مقاومت و آغازی بر یک پایان

۱. اشاره به آیات ۱۴۱ نسا و ۲۹ فتح

۲. اشاره به آیه ی ۲۱۴ بقره

۳. اشاره به حکمت ۱۴۴ نهج البلاغه

۴. اشاره به روایت (شَیْبَتِی سَوْرَةُ هُوْدِ..)





معرفی کتاب

خانم اعتصامی

پیاده روی به
روایت عشاق
الحسین

معرفی کتاب پادشاهان پیاده

پادشاهان پیاده، نوشته بهزاد دانشگر
و محمدعلی جعفری است. بهزاد
دانشگر متولد اصفهان و اولین تجربه
نویسندگی اش کتاب دختران آفتاب

است که پرسش هایی در حوزه نقش
اجتماعی زنان را با بیانی روان و به
صورت داستان پاسخ می دهد.

محمدعلی جعفری ساکن یزد دارای
مدرک کارشناسی شیمی است. وی
کتاب های متعددی در حوزه دفاع
مقدس نگاشته است.

درباره کتاب:

دو نویسنده نامبرده همراه با مترجمان
عربی و انگلیسی در سفر زیارت اربعین
عازم نجف و کربلا شده اند، آنان در این
سفر سراغ زائران امام حسین (ع) رفته
و حرف ها و خاطراتشان از آن زیارت
باشکوه و نحوه پیوند خوردنشان با
اباعبدالله الحسین را پرس و جو کرده اند.
اقتضای مختلف را می توان در این کتاب
دید، گاه از ایران گاه عراق، از شهرهای
کوچک و بزرگ، از شرق و غرب عالم.
اما پایان همه قصه ها به یک جا ختم
می شد؛ به سرزمینی در کرانه فرات و
یادگاری که از دل این بهشت بر این
سرزمین باقی مانده، به کربلا، به تربت
سید الشهدا (ع).

خوب گوش کن، صدای قدم ها، صدای
سایش کفش ها بر سینه جاده ها، کسی
می گوید بیا، چند روز است که در راهی
و باز هم خسته نمی شوی، چون تو خوب
این صدا را می شناسی صدای حسین را
که بی وقفه می گوید بیا... بیا...

بریده هایی از این کتاب:

این ها ازشان دیه نمی گرفتند می گفتند
ما حق بچه هایمان را ازتان می گیریم.
باید سه تا از شما را بکشیم. تا اینکه
زیارت اربعین امام حسین (ع) شد هردو
عشیره موکب داشتند، یک شب عشیره
ای که خون جوان هایش را طلبکار بود
مهمان نداشت، پیغام فرستادند برای آن
عشیره دیگر که اگر امشب زائرهایتان را
بفرستید موکب ما، خون جوان هایمان
را می بخشیم و از خون جوان هایمان
می گذریم. به عشق امام حسین علیه
السلام یک اختلاف و انتقام عشیره ای
که می توانست باعث جنگ شود تمام
شد.



تعاملات

نشریه باور

آلو...
باور اندیشه؟پُل های ارتباطی شما و نشریه
«باوراندیشه»

سلام!

این جا قرار است نظرات و دیدگاه های
شما را چاپ کنیم. راه های ارتباطی
زیادی بین ما و شما وجود دارد.
از پیامک و تلفن همراه تا رایانامه
و وبسایت و شبکه های
اجتماعی. این صفحه را
به افتخار خوانندگان و
مخاطبین نشریه، خالی
می گذاریم. از طریق پل های
ارتباطی زیر می توانید با ما در
ارتباط باشید.

مطالب شما در سه گروه دسته بندی
می شود و ما برای هر دسته، جایزه ای
ویژه ای در نظر گرفته ایم:

- ۱- نظرات، انتقادات و پیشنهادات
شما نسبت به نشریه و مطالب آن.
- ۲- مشکلات دانشکده ای و
دانشگاهی و صنفی تان.
- ۳- مطالبی که برای چاپ در نشریه
برایمان می فرستید.

سامانه پیامکی:
۳۰۰۰۶۰۱۶۰۰۲تلفن:
۰۳۱۳۶۶۹۱۷۲۴ایمیل:
Bavar.jad@gmail.com

گزینشی قطعی ملت ایران مقاومت
در مقابل آمریکا است و در این
رویارویی، او وادار خواهد شد
به عقب نشینی. این رویارویی،
رویارویی اراده ها است؛ و اراده ای
ما از آنها قوی تر است.

رهبر انقلاب



لیکچر



جایزه نفیس برای تصاویر برتر
عکسهای خود را برای ما ارسال کنید

البعین ۹۸

مسابقه عکاسی



آدرس ایمیل جهت
ارسال عکس:
Bavar.jad98@gmail.com